

بررسی جامعه‌شناسی سیاسی رابطه هوش سیاسی با اشکال مختلف مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

محسن روحی^۱، مجید گل‌پرور^۲، علیرضا منظری توکلی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷

چکیده:

تحقیق حاضر به بررسی جامعه‌شناسی سیاسی رابطه هوش سیاسی با اشکال مختلف مشارکت سیاسی (مطالعه موردی: شهروندان شهر کرمان) پرداخته است. امروزه هم از دیدگاه نظری و تئوریک هم از منظر علمی، توجه ویژه‌ای به نقش و چگونگی تاثیر مؤلفه‌ها و عوامل فردی تأثیر گذار بر مشارکت سیاسی می‌شود در همین راستا این پژوهش به دنبال مطالعه پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا بین هوش سیاسی شهروندان شهر کرمان با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی آنان رابطه معناداری وجود دارد؟ روش تحقیق در این مطالعه از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این پژوهش برای سنجش مشارکت سیاسی و هوش سیاسی از پرسشنامه‌های استاندارد استفاده گردیده. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که بین هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب بتای استاندارد شده رابطه هوش سیاسی با مشارکت سیاسی برابر $(\beta=0/80)$ می‌باشد. علاوه بر این در خصوص رابطه هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی با توجه به ماتریس همبستگی محاسبه شده متغیر هوش سیاسی با کلیه ابعاد مشارکت سیاسی رابطه مثبت داشته و در این، میان بیشترین رابطه را با مشارکت در مباحث سیاسی با ۰/۷۲۵ و کمترین میزان رابطه را با مشارکت در اجتماعات سیاسی با ۰/۳۳۹ داشته است

واژگان اصلی: هوش سیاسی، مشارکت سیاسی، اشکال مختلف مشارکت سیاسی، شهرکرمان.

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

۲. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران (نویسنده مسئول)

majid_golparvar@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

مقدمه

امروزه، مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین شاخص توسعه سیاسی کشورها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در تمامی نظام‌های سیاسی به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شکلی حساس‌تر، خود را نشان می‌دهد به گونه‌ای که اکثر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی به نوعی ناچارند برای کسب مشروعیت بیشتر به دنبال جلب بیشتر مشارکت سیاسی شهروندان خود باشند. از طرف دیگر، میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه یافته و توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه، دلالت دارد. لذا موضوع مشارکت سیاسی، امروزه در تمامی نظام‌های سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (پوردانش، ۱۳۹۵: ۱۶). آنچه که در عصر حاضر در بحث مشارکت سیاسی، بیشتر مورد توجه محققین و پژوهشگران علوم سیاسی قرار دارد، موضوع سنجش میزان مشارکت سیاسی شهروندان و عوامل مرتبط و مؤثر بر آن می‌باشد. اندیشمندان و نظریه پردازان، امروزه بر این باورند که علاوه بر عوامل کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - که معمولاً در تحقیقات و مطالعات به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند - باید توجه بیشتری به تأثیر عوامل و خصوصیات فردی افراد در فرایند مشارکت سیاسی داشت؛ زیرا اگر چه مشارکت سیاسی، یک پدیده اجتماعی است، اما در نهایت، در قالب رفتاری فردی شکل می‌گیرد که تصمیم و اراده فرد در آن، بسیار مهم و مؤثر می‌باشد؛ در خصوص تأثیر عوامل و خصوصیات فردی بر کنش‌ها و رفتارهای سیاسی، از جمله در مبحث مشارکت سیاسی و ابعاد مختلف آن، اندیشمندان و تنورسین‌هایی همچون هانتینگتون معتقدند که مشارکت سیاسی به عنوان امری عینی و مجزا از نگرش‌های ذهنی فرد نمی‌باشد. آنان، بر این باورند که مؤلفه‌های فردی و شخصیتی مختلفی از جمله هوش افراد، بلوغ فکری آنان، توانمندی آنان در تحلیل وقایع سیاسی، سواد رسانه‌ای و سیاسی آنان و ... تأثیر زیادی بر اراده و تصمیم‌گیری نهایی آنان به انجام کنش‌ها و رفتارهای سیاسی مختلف، از جمله مشارکت سیاسی به ویژه شرکت در انتخابات دارد (هانتینگتون، ۱۳۹۵: ۴۴). الکس اینکلس^۲ در تحقیقات خود در کشورهای در حال توسعه به ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی شهروندان مشارکت‌جو پرداخته و دریافته است افرادی که بطور معمول از هوش سیاسی و اجتماعی بالاتری برخوردار هستند، معمولاً^۱ از بلوغ و آگاهی سیاسی بالاتری برخوردار بوده و این موضوع، تأثیر زیادی در

1 Huntington

2 Alex Inkles

میزان رغبت و تمایل آنان بر انجام فعالیت‌های سیاسی، از جمله مشارکت سیاسی در ابعاد مختلف دارد (الکس اینکلس، ۱۳۹۸: ۲۲). مک کیلی (۲۰۰۱)، پیل بود (۲۰۰۲)، هارلد لاسول (۲۰۰۲) و تتودور آدرنو (۲۰۰۳)، در حوزه روان‌شناسی سیاسی معتقدند که امروز، روان‌شناسی سیاسی به عنوان حوزه‌ای جدید و میان رشته‌ای از علوم اجتماعی با هدف تحلیل رفتارهای سیاسی رهبران، شخصیت‌های سیاسی، گروه‌ها و افراد بر اساس نظریه‌ها و مفاهیم آن به درک عمیق‌تر رفتارهای سیاسی، کمک شایانی کرده است. بر همین اساس، آنان در تحلیل و تبیین چرایی مشارکت سیاسی بر این باورند که مشارکت سیاسی به عنوان رفتار و کنشی سیاسی - فردی می‌تواند تا حد بسیار زیادی ریشه در عوامل فردی و شخصیتی کنشگران از جمله ابعاد مختلف هوش کنشگران داشته باشد (مسعودنیا، ۱۳۹۲: ۱۲۳). (کاتم، ۱۳۹۳: ۱۴) مؤلف کتاب «مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی» بر این باور است که ابعاد مختلف هوش از جمله هوش سیاسی تا حدود زیادی می‌تواند در ایجاد، هدایت و شکل دهی رفتارهای سیاسی کنشگران در ابعاد مختلف، از جمله (مشارکت سیاسی، منازعات سیاسی، خشونت‌های سیاسی و ...) تأثیر بسزایی داشته باشند. وی معتقد است از آنجاکه رفتارها و کنش‌های سیاسی، اغلب توأم با هزینه است، در بیشتر اوقات این گونه رفتارها از سوی کنشگران، به صورت گزینشی انجام می‌گیرد. بنابراین، اشکال مختلف هوش به ویژه هوش سیاسی نقش و تأثیر بسزایی در چگونگی این گزینش ایفاء می‌نمایند وی معتقد است افراد با میزان‌های مختلف از هوش سیاسی گزینش‌های متفاوتی را در خصوص اشکال مختلف مشارکت سیاسی انتخاب می‌نمایند (کاتم، ۱۳۹۳: ۱۴).

در همین رابطه و با عنایت به اینکه امروزه، هم از دیدگاه نظری و تئوریک و هم از منظر عملی، توجه ویژه‌ای به نقش و چگونگی تأثیر مؤلفه‌ها و عوامل فردی تأثیر گذار بر مشارکت سیاسی می‌شود و با توجه به این مسئله که مطالعه و بررسی چگونگی رابطه بین مؤلفه‌ها و عوامل و خصوصیات فردی و تأثیر آن‌ها بر کنش‌های مختلف سیاسی شهروندان از جمله تمایل آنان به مشارکت سیاسی در اشکال مختلف آن در کشور معمولاً به ندرت از سوی محققین، مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته، این پژوهش در صدد مطالعه و سنجش چگونگی رابطه هوش سیاسی با اشکال مختلف مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمان به عنوان یک مطالعه موردی می‌باشد. و به تبع آن به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که: آیا بین هوش سیاسی شهروندان شهر کرمان با اشکال ده گانه مشارکت سیاسی شامل (۱- داشتن مقام سیاسی ۲- جستجوی کسب مقام سیاسی ۳- عضویت فعال در یک تشکل سیاسی ۴- عضویت منفعل در یک تشکل سیاسی ۵- مشارکت در اجتماعات سیاسی ۶- عضویت

فعال در یک سازمان شبه سیاسی ۷- عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی ۸- مشارکت در بحث‌های سیاسی ۹- اندکی علاقه به سیاست ۱۰- شرکت در انتخابات و دادن رأی) آنان، رابطه معناداری وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

(مسعودنیا، ۱۳۹۲: ۱۲۳) نشان داده‌اند که رابطه معنی‌داری بین متغیرهای آگاهی سیاسی، محیط سیاسی، انگیزه‌های سیاسی و میزان محرومیت نسبی با مشارکت سیاسی وجود دارد. (میلبرث، ۱۳۹۵: ۸۰) نشان داده است که بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری اجتماعی با مشارکت اجتماعی شهروندان، رابطه وجود دارد. (امام جمعه زاده، ۱۳۹۵: ۷) نشان داده است که با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان رابطه وجود دارد، (گلشاهی، ۱۳۹۹: ۵۹۹) نشان داده است که هوش سیاسی با تأکید بر مؤلفه‌هایی همچون بازی‌های اجتماعی، شخصیت سیاسی، تسخیر احساسات و پویایی‌های قدرت، قابلیت ارزیابی منازعات سیاسی را به خوبی دارا می‌باشد و به عنوان یک چارچوب مفهومی امکان ارزیابی سیاسی را افزایش می‌دهد. (لایگلی^۱، ۲۰۱۴: ۲۵) نشان می‌دهد که بین سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، جامعه‌پذیری سیاسی و گرایش افراد به مشارکت سیاسی در ابعاد مختلف رابطه معناداری وجود دارد. (مک کلارک^۲، ۲۰۱۵: ۳۶) نشان داده‌اند که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می‌شود، (ایمای و گلفند^۳، ۲۰۱۶: ۳۱) نشان داده‌اند هوش سیاسی و فرهنگی تأثیر معناداری بر ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در بین افراد داند. (کاتم، ۱۳۹۳: ۱۴) نشان داده است که هوش سیاسی بعنوان یکی از قابلیت‌های روانشناختی سیاسی افراد می‌تواند تأثیر مستقیمی بر انواع رفتارها و کنش‌های سیاسی افراد داشته باشد. (آلن و هیگینز^۴، ۲۰۱۷: ۶۹) نشان داده‌اند که بین انواع مختلف هوش از جمله هوش سیاسی افراد با جامعه‌پذیری سیاسی و همچنین میزان تعامل و مشارکت آنان به احزاب سیاسی در افراد

۱ Ligli

۲ McClark

۳ Imay & Golfand

۴ Allen & Higgins

مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد. (گریگوری^۱، ۲۰۱۶: ۲۱) نشان داده‌اند که هوش سیاسی رابطه معناداری با ارتقای بلوغ سیاسی و افزایش مشارکت‌پذیری سیاسی دارد.

(ملک زاده، ۱۳۹۴: ۶) در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی در بین دانشجویان" نشان داده است که سیاست، بین دانشجویان، نقش کم‌رنگ‌تری نسبت به سایر مسائل دارد، که برنامه‌ریزان درسی دانشگاه‌ها باید تجدید نظری در مورد آن داشته باشند، یعنی با بیشتر و پررنگ‌تر کردن نقش سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی، دانشجویان را بیشتر با این مسئله و موضوع مهم اجتماعی آشنا کنند. بر اساس تحلیل‌های آماری انجام شده، وجود رابطه مثبت بین میزان تمایل به مشارکت سیاسی دانشجویان با احساس کارایی سیاسی، حساسیت سیاسی و آگاهی سیاسی آنها تأیید شده است. بر همین اساس، رابطه‌ای بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانشجویان و میزان تمایل آنها به مشارکت سیاسی وجود ندارد.

در حوزه علوم سیاسی، به خصوص در جامعه‌شناسی سیاسی در تبیین توسعه فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی در دست‌یابی به دموکراسی، برخی از اندیشمندان به مؤلفه هوش سیاسی اشاره نموده‌اند و معتقدند که بین هوش سیاسی و دموکراسی ارتباط وجود دارد؛ زیرا این دو مقوله با یکدیگر هم‌بستگی دارند؛ بدین معنا که با افزایش و ارتقای هوش سیاسی شهروندان، کنش‌ها، آگاهی‌ها و ارتباطات آنان افزایش یافته و این موضوع می‌تواند در توسعه فرهنگ سیاسی و در نتیجه، رشد مشارکت‌های سیاسی در جهت دست‌یابی به دموکراسی افزایش یابد (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

مبانی نظری تحقیق

امروزه، مشارکت سیاسی به عنوان مهم‌ترین شاخص توسعه سیاسی کشورها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در تمامی نظام‌های سیاسی به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شکلی حساس‌تر، خود را نشان می‌دهد به گونه‌ای که اکثر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی به نوعی ناچارند برای کسب مشروعیت بیشتر به دنبال جلب بیشتر مشارکت سیاسی شهروندان خود باشند. از طرف دیگر، میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط‌مشی‌های سیاسی بر فرهنگ توسعه یافته و توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه، دلالت دارد. لذا موضوع مشارکت سیاسی، امروزه در تمامی نظام‌های سیاسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. آنچه که در

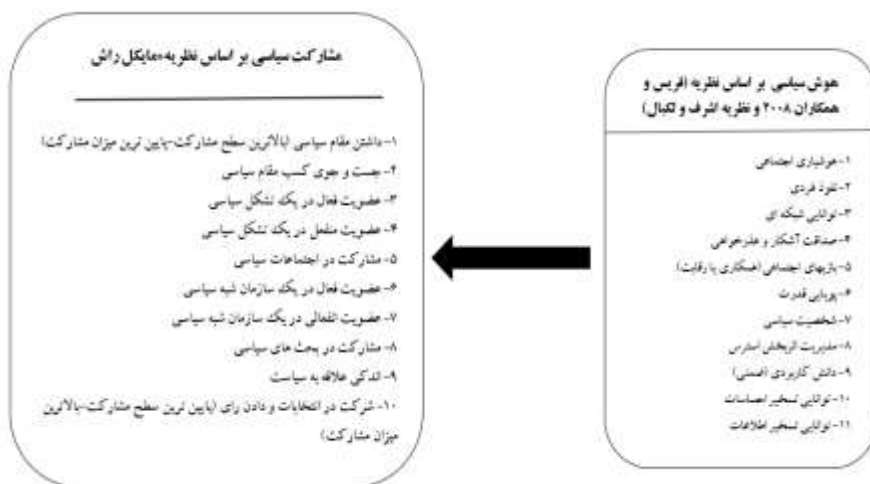
^۱ Gregory

عصر حاضر در بحث مشارکت سیاسی، بیشتر مورد توجه محققین و پژوهشگران علوم سیاسی قرار دارد، موضوع سنجش میزان مشارکت سیاسی شهروندان و عوامل مرتبط و مؤثر بر آن می‌باشد. هوش سیاسی که در بعضی موارد به «هوش تدبیری» نیز تعبیر شده است، هنری حیاتی برای کنشگران و رهبران سیاسی در جهت درک و فهم رخدادها و رویدادهای سیاسی به حساب می‌آید و عاملی مهم در جهت پیشبرد امور و دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده، می‌باشد (قاسمی نسب، ۱۳۹۲: ۵). در علوم سیاسی، موضوع هوش سیاسی یکی از مهمترین متغیرها و شاخص‌های مهم تأثیرگذار در عرصه انواع کنش‌ها و رفتارهای سیاسی محسوب شده و به عنوان مؤلفه‌ای مهم، تأثیر زیادی بر فرایند فعالیت‌های سیاسی شخصیت‌های سیاسی و افراد فعال در حوزه‌های مختلف سیاسی، تلقی می‌گردد (متقی، ۱۳۹۰: ۷۹). نظریه پردازان در حوزه رفتارهای سیاسی معتقدند که هوش سیاسی یکی از مهمترین ابعاد مختلف هوش در انسان‌هاست که می‌تواند در اخذ تصمیمات هوشمندانه در حوزه‌های سیاسی و یا انجام فعالیت‌ها و کنش‌های سیاسی، یاری نماید (دوستار و ممبینی، ۱۳۹۳: ۱۹). در میان تعاریف مختلفی که در خصوص هوش سیاسی ذکر شده است، شاید کامل‌ترین و بهترین تعریفی که برای هوش سیاسی وجود دارد، این است که هوش سیاسی، هنر مدیریت سیاست‌هاست و درک و فهم عمیق اینکه چه سیاستهایی و کدام نوع احساسات سیاسی به وجود آمده در جامعه با استراتژیهای موجود و اهداف سیاسی جامعه، همسویی دارند و کدام‌ها ناهماهنگ و غیر همسو هستند؟ (دوستار و ممبینی، ۱۳۹۳: ۱۹). اندیشمندان و نظریه پردازان، امروزه بر این باورند که علاوه بر عوامل کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - که معمولاً در تحقیقات و مطالعات به عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرند - باید توجه بیشتری به تأثیر عوامل و خصوصیات فردی افراد در فرایند مشارکت سیاسی داشت؛ زیرا اگر چه مشارکت سیاسی، یک پدیده اجتماعی است، اما در نهایت، در قالب رفتاری فردی شکل می‌گیرد که تصمیم و اراده فرد در آن، بسیار مهم و مؤثر می‌باشد؛ (کریمی، ۱۳۹۵: ۶۶) در خصوص تأثیر عوامل و خصوصیات فردی بر کنش‌ها و رفتارهای سیاسی، از جمله در مبحث مشارکت سیاسی و ابعاد مختلف آن، اندیشمندان و تئورسین‌هایی همچون هانتینگتون^۱ معتقدند که مشارکت سیاسی به عنوان امری عینی و مجزا از نگرش‌های ذهنی فرد نمی‌باشد. آنان، بر این باورند که مؤلفه‌های فردی و شخصیتی مختلفی از جمله هوش افراد، بلوغ فکری آنان، توانمندی آنان در تحلیل وقایع سیاسی، سواد رسانه‌ای و سیاسی آنان و ... تأثیر زیادی بر اراده و تصمیم‌گیری نهایی آنان به انجام

1 Huntington and Nelson

کنش‌ها و رفتارهای سیاسی مختلف، از جمله مشارکت سیاسی به ویژه شرکت در انتخابات دارد (هانتینگتون، ۱۳۹۱: ۳۲)، الکس اینکلس^۱ در تحقیقات خود در کشورهای در حال توسعه به ویژگی‌های فردی و روان‌شناختی شهروندان مشارکت‌جو پرداخته و دریافت است افرادی که بطور معمول از هوش سیاسی بالاتری برخوردار هستند، معمولاً^۲ از بلوغ و آگاهی سیاسی بالاتری برخوردار بوده و این موضوع، تأثیر زیادی در میزان رغبت و تمایل آنان بر انجام فعالیت‌های سیاسی، از جمله مشارکت سیاسی در ابعاد مختلف دارد (الکس اینکلس، ۱۳۹۸: ۲۲). (کاتم، ۱۳۹۳: ۱۴) مؤلف کتاب «مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی» بر این باور است که ابعاد مختلف هوش از جمله هوش سیاسی» تا حدود زیادی می‌تواند در ایجاد، هدایت و شکل دهی رفتارهای سیاسی کنشگران در ابعاد مختلف، از جمله (مشارکت سیاسی، منازعات سیاسی، خشونت‌های سیاسی و ...) تأثیر بسزایی داشته باشند. وی معتقد است از آنجاکه رفتارها و کنش‌های سیاسی، اغلب توأم با هزینه است، در بیشتر اوقات این گونه رفتارها از سوی کنشگران، به صورت گزینشی انجام می‌گیرد. بنابراین، ابعاد مختلف هوش و به ویژه هوش سیاسی نقش و تأثیر بسزایی در چگونگی این گزینش ایفاء می‌نماید (کاتم، ۱۳۹۳: ۱۴).

مدل مفهومی تحقیق



روش تحقیق

تحقیق حاضر، توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد و به بررسی رابطه بین هوش سیاسی بر اشکال مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمان می‌پردازد. جامعه آماری تحقیق، کلیه شهروندان دارای سن ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر کرمان می‌باشند که بر پایه اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن استان کرمان و برآوردهای انجام شده از سوی مرکز آمار سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کرمان، تعداد کل جمعیت شهروندان دارای ۱۸ سال سن به بالای ساکن شهر کرمان در سال ۱۳۹۸ حدود ۴۱۰۲۷۱ نفر می‌باشند. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر بعنوان حجم نمونه انتخاب شدند در این تحقیق، برای تکمیل پرسش‌نامه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده گردیده است؛ بدین ترتیب که در مرحله اول، بر اساس تقسیم‌بندی انجام شده از سوی شهرداری کرمان، در هر یک از مناطق پنج‌گانه شهرداری به صورت تصادفی، تعدادی از محلات، انتخاب و در مرحله بعد، در هر یک از محله‌های انتخاب شده، با استفاده از لیست و بصورت تصادفی سهمیه‌ای، پرسش‌نامه‌ها بوسیله پرسشگران از طریق مصاحبه حضوری تکمیل و جمع‌آوری گردیده است. در این پژوهش جهت سنجش مشارکت سیاسی، از پرسش‌نامه استاندارد سنجش مشارکت سیاسی بر مبنای نظریه مایکل راش استفاده شده است این پرسشنامه، مشارکت سیاسی را در ابعاد ده‌گانه (۱- داشتن مقام سیاسی ۲- جستجوی کسب مقام سیاسی ۳- عضویت فعال در یک تشکل سیاسی ۴- عضویت منفعل در یک تشکل سیاسی ۵- مشارکت در اجتماعات سیاسی ۶- عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی ۷- عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی ۸- مشارکت در بحث‌های سیاسی ۹- اندکی علاقه به سیاست ۱۰- شرکت در انتخابات و دادن رأی) سنجش می‌نماید و جهت سنجش هوش سیاسی از پرسشنامه استاندارد هوش سیاسی بر مبنای نظریه (اشرف و لکبال، ۱۳۹۳: ۵۷۹۸) و همچنین نظریه (فریس و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۲۶) استفاده شد.

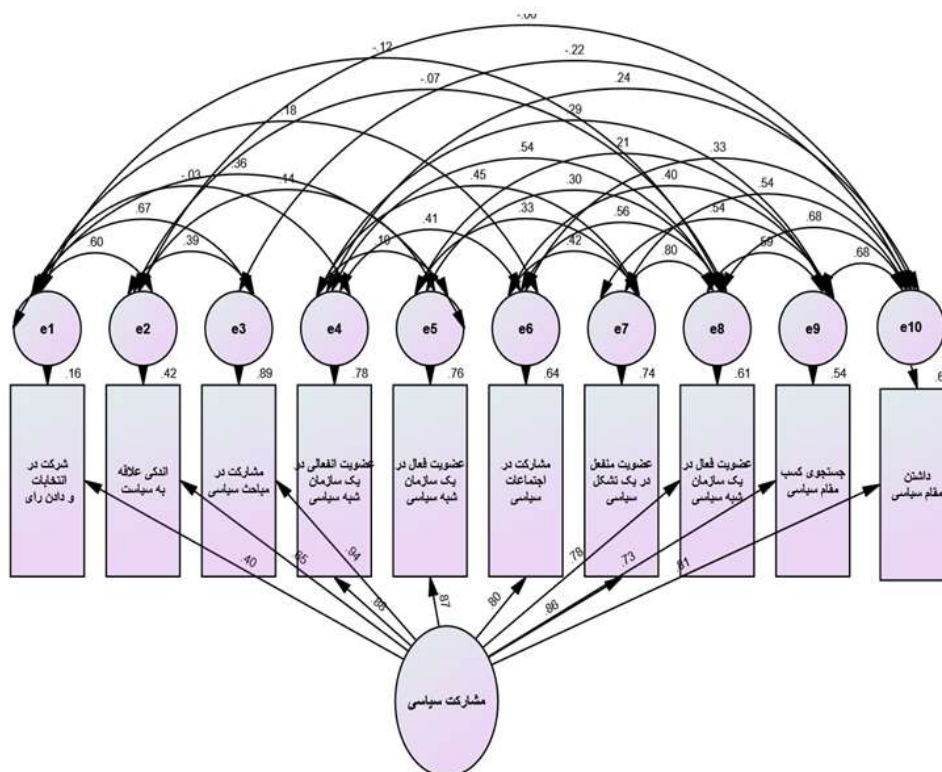
این پرسشنامه، هوش سیاسی را در ابعاد ده‌گانه (هوشیاری اجتماعی، نفوذ فردی، توانایی شبکه‌ای، صداقت آشکار و عذرخواهی، بازی‌های اجتماعی (همکاری یا رقابت)، پویایی قدرت، شخصیت سیاسی، مدیریت اثر بخش استرس، دانش کاربردی (ضمنی) و توانایی تسخیر احساسات) سنجش می‌نماید. لازم به ذکر است میزان روایی پرسش‌نامه‌ها، با استفاده از فرمول سیگمای شمارشی اقدام گردید که روایی پرسشنامه مشارکت سیاسی با (۰/۹۲۵) و روایی پرسشنامه هوش سیاسی با (۰/۹۲۵) مورد تأیید قرار گرفت. همچنین سنجش روایی پرسشنامه‌های تحقیق و اعتبار و کفایت

داده‌های مربوطه از طریق مدل معادلات ساختاری و محاسبه شاخص KMO انجام گردید که مقدار این شاخص برای داده‌های این پژوهش به ترتیب برای پرسشنامه مشارکت سیاسی برابر با ۰/۹۴۱ و پرسشنامه هوش سیاسی برابر با ۰/۹۵۳ مورد تأیید قرار گرفت. میزان پایایی و اعتبار پرسشنامه‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفته که در همی خصوص میزان اعتبار و پایایی پرسشنامه مشارکت سیاسی با ۰/۹۴۵ و پرسشنامه هوش سیاسی با ۰/۹۷ محاسبه و مورد تأیید قرار گرفته است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری توصیفی شامل جداول، نمودارهای فراوانی، درصد و میانگین استفاده شده و همچنین در قسمت تحلیل داده‌ها به دلیل تأیید شدن فرض نرمال بودن متغیرها برای بررسی فرضیات، از آزمون تحلیل عوامل و معادلات ساختاری استفاده شد. در ضمن، کلیه مراحل انجام محاسبات به وسیله کامپیوتر و با استفاده از نرم افزار SPSS28 و نرم افزار 24 AMOS انجام شده است.

یافته‌های تحقیق

الگوی برازش مشارکت سیاسی

برای بررسی روایی ساختاری سازه نظری پرسشنامه مشارکت سیاسی، از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده شده است. بر اساس بارهای عاملی، مشارکت در مباحث سیاسی دارای بیشترین تأثیر روی الگوی مشارکت سیاسی است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای مؤلفه‌ها به همراه شاخص‌های برازش مدل CFA نشان از برازش مطلوب مدل‌های اندازه‌گیری داشته و معناداری بار هر متغیر مشاهده شده به متغیر مکنون مربوطه مورد تأیید قرار گرفت و نشان می‌دهد که الگوی اندازه‌گیری متغیر مکنون مشارکت سیاسی در ابعاد مختلف از برازندگی و روایی سازه‌ای خوبی برخوردار است. بطوری که بارهای عاملی شرکت در انتخابات و دادن رأی، اندکی علاقه به سیاست، مشارکت در مباحث سیاسی، عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، مشارکت در اجتماعات سیاسی، عضویت منفعل در یک تشکل سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، جستجوی کسب مقام سیاسی و داشتن مقام سیاسی به ترتیب برابر با (۰/۴۰۲، ۰/۶۵۱، ۰/۹۴۱، ۰/۸۸۳، ۰/۸۷۲، ۰/۸۰۲، ۰/۸۵۸، ۰/۷۸۰، ۰/۷۳۴ و ۰/۸۱۴) بزرگ‌تر از ۰/۳۰ می‌باشند که نشان دهنده قابل قبول بودن بارهای عاملی مؤلفه‌های مشارکت سیاسی می‌باشد (شکل ۱).

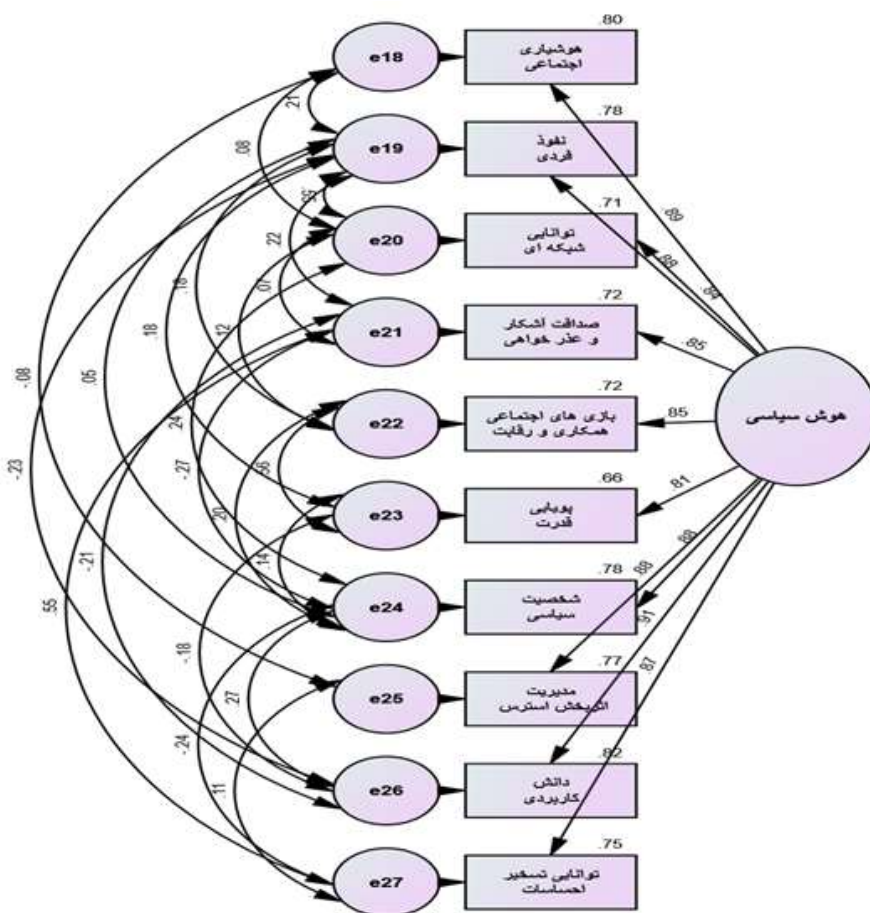


شکل ۱. بارهای عاملی تحلیل عاملی تأییدی برای پرسش‌نامه مشارکت سیاسی

الگوی برازش هوش سیاسی

برای بررسی روایی ساختاری سازه نظری پرسش‌نامه هوش سیاسی از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی (CFA) استفاده شده است. بر اساس بارهای عاملی، مهارت درک پدیده‌های اجتماعی دارای بیشترین تأثیر روی الگوی هوش اجتماعی است. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای مؤلفه‌ها به همراه شاخص‌های برازش مدل CFA نشان از برازش مطلوب مدل‌های اندازه‌گیری داشته و معناداری بار هر متغیر مشاهده شده به متغیر مکنون مربوطه مورد تأیید قرار گرفت و نشان می‌دهد که الگوی اندازه‌گیری متغیر مکنون هوش سیاسی در ابعاد مختلف از برازندگی و روایی سازه‌ای خوبی برخوردار است؛ بطوری که بارهای عاملی هوشیاری اجتماعی، نفوذ فردی، توانایی شبکه‌ای، صداقت آشکار و عذر خواهی، بازی‌های اجتماعی (همکاری و رقابت)، پویایی قدرت، شخصیت سیاسی، مدیریت اثربخش استرس، دانش کاربردی (دانش ضمنی) به ترتیب برابر ۰/۸۹۲، ۰/۸۸۵، ۰/۸۴۱، ۰/۸۴۹، ۰/۸۵۰، ۰/۸۱۱، ۰/۸۸۱، ۰/۸۷۸، ۰/۹۰۷ و ۰/۸۶۷ بزرگ‌تر از ۰/۳۰ می‌باشند که نشان دهنده قابل قبول بودن بارهای

عاملی مؤلفه های هوش سیاسی می باشند (شکل ۲).



شکل ۲. بارهای عاملی تحلیل عاملی تأییدی برای پرسش نامه هوش سیاسی

تجزیه و تحلیل داده ها

آمار توصیفی

۴۴/۶ درصد از افراد مورد مطالعه زن و ۵۵/۴ درصد مرد بوده اند. به لحاظ سنی ۱۰/۷ درصد از افراد مورد مطالعه تا ۲۵ سال، ۲۶/۸ درصد ۲۵ تا ۳۵ سال، ۳۲/۳ درصد ۳۵ تا ۴۵ سال، ۲۰/۱ درصد ۴۵ تا ۵۵ سال و ۱۰/۲ درصد ۵۵ سال به بالا سن داشته اند. ۱/۳ درصد از افراد مورد مطالعه میزان تحصیلاتشان بی سواد، ۱۳/۸ درصد ابتدایی و سیکل، ۲۳/۲ درصد متوسطه و دیپلم، ۴۰/۱ درصد فوق

دیپلم و لیسانس، ۲۱/۶ درصد فوق لیسانس و دکترا بوده است. ۲۵/۳ درصد از افراد مورد مطالعه مجرد و ۷۴/۷ درصد متأهل بوده‌اند. ۲۴/۱ درصد از افراد مورد مطالعه بیکار، ۶۲ درصد شاغل و ۱۳/۹ درصد بازنشسته بوده‌اند. ۸۸/۳ درصد از افراد مورد مطالعه بومی کرمان و ۱۱/۷ درصد غیر بومی بوده‌اند. ۱۷ درصد از افراد مورد مطالعه ساکن منطقه یک شهر کرمان، ۲۹/۹ درصد منطقه دو، ۲۶/۴ درصد منطقه سه، ۱۶/۵ درصد منطقه چهار و ۱۰/۲ درصد ساکن منطقه پنج شهر کرمان بوده‌اند. ۱۱/۳ درصد از افراد مورد مطالعه متوسط درآمد ماهیانه‌شان تا سه میلیون تومان، ۳۳/۶ درصد سه تا شش میلیون تومان، ۲۸ درصد شش تا نه میلیون تومان، ۱۸/۳ درصد نه تا دوازده میلیون تومان و ۸/۹ درصد دوازده میلیون تومان به بالا بوده است. ۳/۷ درصد از افراد مورد مطالعه قشر اجتماعی خود را پایین، ۱۵/۶ درصد متوسط رو به پایین، ۴۸/۳ درصد متوسط، ۳۱/۴ درصد متوسط رو به بالا و ۱/۱ درصد بالا ارزیابی نموده‌اند. ۳/۷ درصد از افراد مورد مطالعه به لحاظ میزان دارایی و تمکن مالی خود را فقیر و ناتوان، ۱۳/۹ درصد کم درآمد، ۵۲/۶ درصد در حد متوسط و عادی، ۲۱/۷ درصد مناسب و ۸/۱ درصد مرفه ارزیابی نموده‌اند.

توصیف متغیرهای اصلی تحقیق

به منظور درک بهتر میانگین‌های محاسبه شده از مقیاس نمره گذاری (هایر) در طیف‌های شش گزینه‌ای لیکرت که در ذیل آورده شده است استفاده می‌گردد (جدول ۱).

جدول ۱. مقیاس نمره گذاری هایر

نمره	۵-۶	۳-۴	۱-۲
مقیاس	زیاد	متوسط	کم

جدول ۲. توصیف پرسش نامه‌های «مشارکت سیاسی، هوش سیاسی، هوش فرهنگی، هوش اقتصادی و هوش اجتماعی»

ردیف	متغیرها	تعداد	حداقل	حداکثر	انحراف معیار - میانگین	کیفیت متغیر	ضریب
۱	مشارکت سیاسی	۳۸۴	۱	۶	$۰/۹۳۴ + ۳/۳۰$	متوسط	۵۴/۷
۲	هوش سیاسی	۳۸۴	۱	۶	$۰/۷۵۳ + ۴/۰۱$	متوسط	۶۶/۵

(جدول ۲)، میانگین و همچنین ضریب محاسبه شده متغیرهای اصلی تحقیق را نشان می‌دهد که

در آن متغیر مشارکت سیاسی با میانگین ۳/۳۰ و ضریب (۵۴/۷) در سطح متوسط و هوش سیاسی با میانگین ۴/۰۱ و ضریب (۶۶/۵) در سطح متوسط قرار داشته‌اند.

آزمون فرضیه

بررسی رابطه بین هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان

H0: بین هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان رابطه

معناداری وجود ندارد.

H1: بین هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان رابطه

معناداری وجود دارد.

جدول ۳. بررسی رابطه بین هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان

آماره همبستگی	مقدار ضریب همبستگی	P- مقدار	وجود رابطه	نوع رابطه
پیرسون	۰/۶۳۴	۰/۰۰۲	دارد	مستقیم

با توجه به این که **P** مقدار به دست آمده در آزمون پیرسون کمتر از سطح معنی داری ۰/۰۵ می باشد، فرض صفر رد می شود. بر همین اساس و با توجه به مثبت بودن ضرایب محاسبه شده پیرسون برابر با (۰/۶۳۴) می توان گفت که بین هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد؛ به بیان دیگر، افزایش هوش سیاسی در افراد مورد مطالعه (شهروندان شهر کرمان) رابطه مستقیم و مثبتی با افزایش مشارکت سیاسی آنان داشته است (جدول ۴).

همچنین تجزیه و تحلیل داده ها از طریق معادلات ساختاری نشان می دهد که ضریب بتای استاندارد شده رابطه هوش سیاسی با مشارکت سیاسی برابر ($\beta=0/80$) است و چون p - مقدار (معنی داری) برابر ۰/۰۰۰ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha=0/05$ است (شکل ۳)، لذا در این سطح، فرض عدم وجود رابطه رد می شود و در نتیجه با توجه به مثبت بودن ضریب بتا، هوش سیاسی با مشارکت سیاسی رابطه معنی دار و مستقیم دارد. این مطلب با توجه به نحوه پراکندگی نقاط در نمودار پراکنش مورد تأیید

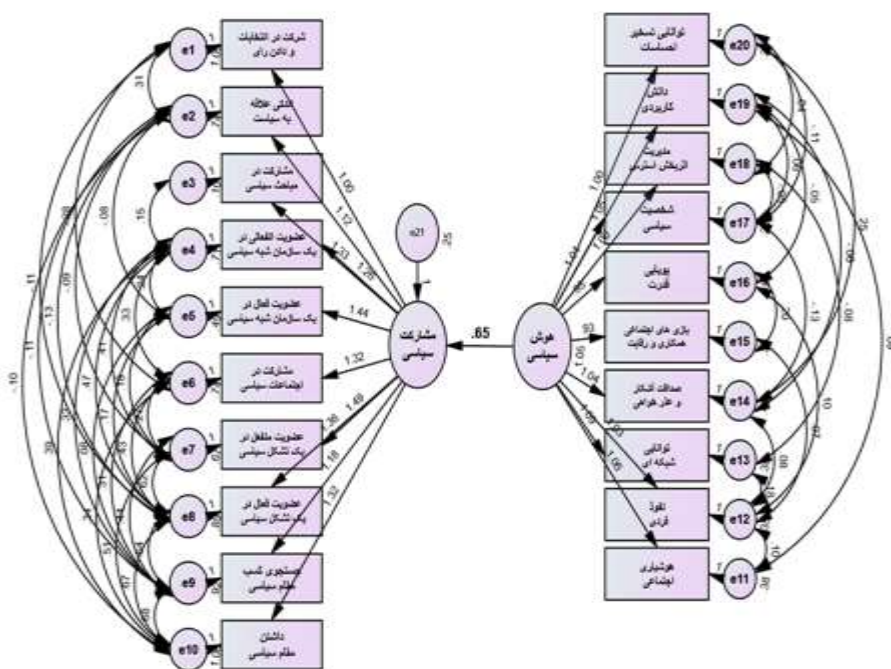
است (شکل ۴). ضریب تعیین بین دو متغیر برابر ۰/۶۴ ($R^2=0/64$) است یا به عبارتی ۶۴ درصد تغییرات بین دو متغیر مشترک است (۶۴ درصد تغییرات مشارکت سیاسی شهروندان کرمان به وسیله هوش سیاسی آنها توجیه می شود). ضمناً با توجه به آماره های به دست آمده شاخص های ($AGFI=0/86$ ، $GFI=0/89$ ، $RMR=0/11$ ، $CMIN/DF=3/89$ ، $RMSEA=0/93$ ، $CFI=0/93$ ، $TLI=0/90$) نشان می دهد نتایج الگوی معادلات ساختاری، تقریباً از

برآزش قابل قبول برخوردار است (جدول ۵).

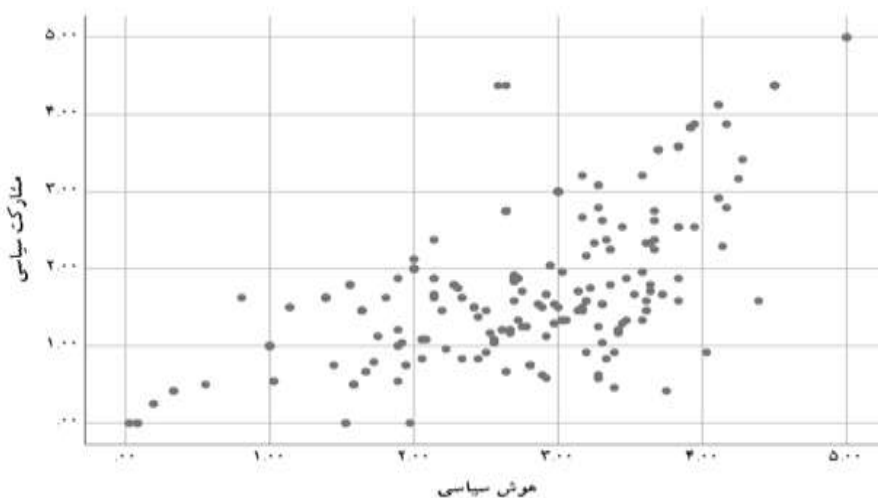
جدول ۴. خلاصه نتایج پارامترهای اندازه‌گیری رابطه هوش سیاسی با مشارکت سیاسی در

معادلات ساختاری

روابط نتایج	ضریب استاندارد	آماره آزمون	عدد معناداری	نتیجه آزمون
هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی	۰/۸۰	۱۱/۹۹۰	۰/۰۰۰	رابطه مثبت و معنی داری دارد
مدل، مورد تأیید و از برآزش مطلوبی برخوردار است				$RMSEA = ۰/۰۹۷$ $CFI = ۰/۹۳$ ، $AGFI = ۰/۸۶$ ، $GFI = ۰/۸۹$ ، $RMR = ۰/۱۱$ $TLI = ۰/۹۰$ ، $JFI = ۰/۹۳$ ، $CMIN/DF = ۳/۸۹$



شکل ۳. الگوی معادلات ساختاری [مدل ساختاری و مدل‌های اندازه‌گیری] رابطه متغیر هوش سیاسی با مشارکت سیاسی



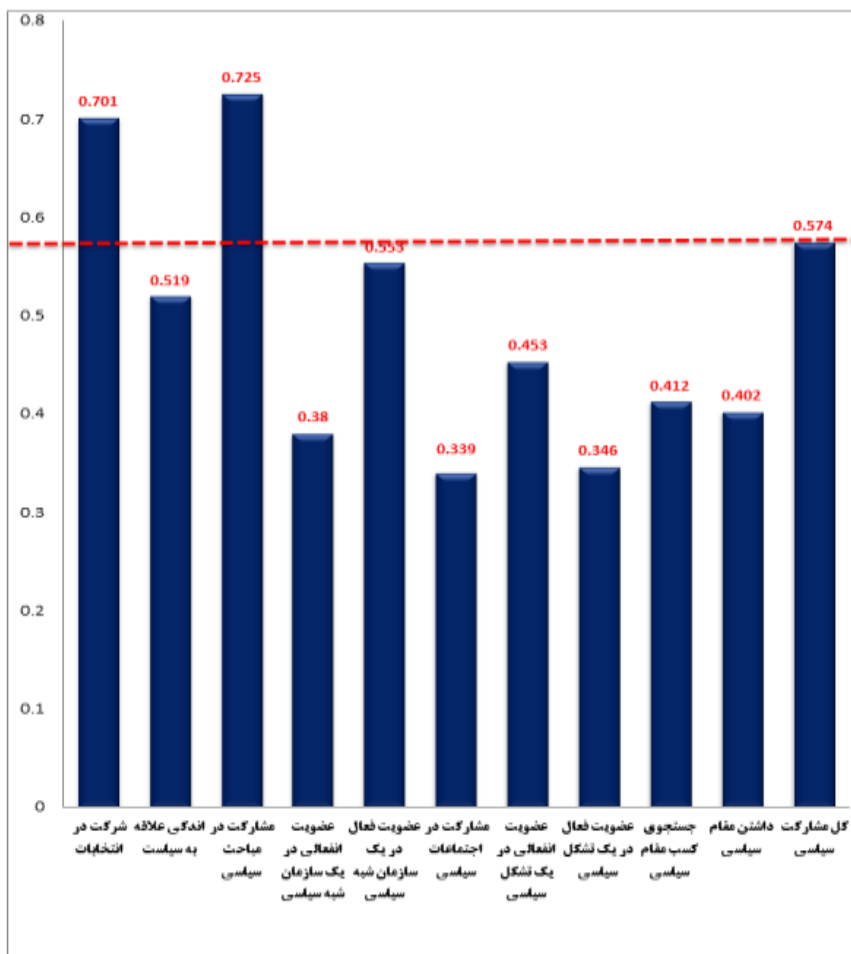
شکل ۴. نمودار پراکنش بین هوش سیاسی و مشارکت سیاسی

آزمون چگونگی رابطه هوش سیاسی با ابعاد مشارکت سیاسی

جدول ۵. ماتریس همبستگی رابطه بین هوش سیاسی با ابعاد مشارکت سیاسی

ابعاد مشارکت	رابطه هوش سیاسی با ابعاد مشارکت سیاسی	سطح معناداری	ضریب همبستگی
۱	شرکت در انتخابات	۰/۰۰۱	۰/۷۰۱
۲	اندکی علاقه به سیاست	۰/۰۰۱	۰/۵۱۹
۳	مشارکت در مباحث سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۷۲۵
۴	عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۳۸۰
۵	عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۵۵۳
۶	مشارکت در اجتماعات سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۳۳۹
۷	عضویت انفعالی در یک تشکل سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۴۵۳
۸	عضویت فعال در یک تشکل سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۳۴۶
۹	جستجوی کسب مقام سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۴۱۲
۱۰	داشتن مقام سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۴۰۲
۱۱	کل مشارکت سیاسی	۰/۰۰۱	۰/۵۷۴

در خصوص رابطه هوش سیاسی با ابعاد مشارکت سیاسی با توجه به ماتریس همبستگی محاسبه شده، متغیر هوش سیاسی بیشترین رابطه را با مشارکت در مباحث سیاسی با ۰/۷۲۵ و کمترین میزان رابطه را با مشارکت در اجتماعات سیاسی با ۰/۳۳۹ داشته است (جدول ۵) و (شکل ۵).



شکل ۵. نمودار ماتریس همبستگی رابطه بین هوش سیاسی با ابعاد مشارکت سیاسی

بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که قبلاً ذکر شد با توجه به بین رشته‌ای بودن موضوع رساله برای تدوین چارچوب نظری و تئوریکی تحقیق با عنایت به ملاک‌های جدید بودن و پرکاربرد بودن نظریه، مرتبط بودن این نظریه با موضوع پژوهش از منظر علمی و مفهومی و همچنین قابل‌سنجش بودن نظریه به لحاظ برخوردار بودن از پرسش‌نامه‌های استاندارد برای سنجش متغیرها و آزمون فرضیه‌ها، ترکیبی از نظریه‌های مطرح شده از سوی اندیشمندان و نظریه پردازان در خصوص هریک از متغیرهای تحقیق (مشارکت سیاسی و هوش سیاسی استفاده گردیده است. لذا در همین راستا در خصوص متغیر مشارکت سیاسی و

ابعاد و سطوح مختلف و تبیین نظری و تئوریک آن از نظریه مایکل راش و به منظور تبیین نظری و تئوریک متغیر هوش سیاسی از نظریه (فریس و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۲۶) و نظریه (اشرف و لکبال، ۱۳۹۳: ۵۷۹۸) استفاده گردیده است. سنجش چگونگی رابطه بین هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان نشان می‌دهد که بین هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب بتای استاندارد شده رابطه هوش سیاسی با مشارکت سیاسی برابر $(\beta=0/80)$ می‌باشد لذا می‌توان گفت که افزایش هوش سیاسی در افراد مورد مطالعه (شهروندان شهر کرمان) رابطه مستقیم و مثبتی با افزایش مشارکت سیاسی آنان داشته است. علاوه بر این در خصوص رابطه هوش سیاسی با ابعاد مختلف مشارکت سیاسی با توجه به ماتریس همبستگی محاسبه شده متغیر هوش سیاسی با کلیه ابعاد مشارکت سیاسی رابطه مثبت داشته و در این، میان بیشترین رابطه را با مشارکت در مباحث سیاسی با ۰/۷۲۵ و کمترین میزان رابطه را با مشارکت در اجتماعات سیاسی با ۰/۳۳۹ داشته است که نتایج حاصل، با نتایج تحقیقات داخلی انجام شده از جمله (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۹۹)، (میکائیلی، ۲۰۰۸: ۱۷)، (مسعودنیا، ۱۳۹۲: ۱۲۳)، (دوستار و ممبینی، ۱۳۹۳: ۱۹)، (صولتی سورندی، ۱۳۹۷: ۱۴۹) و (گلشاهی، ۱۳۹۹: ۵۹۹) همسویی و همخوانی داشته است. همچنین نتایج حاصل با تحقیقات خارجی انجام شده از جمله (کاتم، ۱۳۹۳: ۱۴) و (آلن و هیگینز^۱، ۲۰۱۷: ۶۹) نیز همسویی و همخوانی داشته است. همچنین در تحلیل این رابطه می‌توان گفت که بر اساس نظریه‌های (فریس و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۲۶) و (اشرف و لکبال، ۱۳۹۳: ۵۷۹۸) از آنجا که هوش سیاسی می‌تواند در ایجاد و ارتقای توانمندی‌های افراد در ابعاد مختلفی همچون هوشیاری اجتماعی، توانایی شبکه‌ای، صداقت آشکار و توانایی انتقال و ابلاغ برداشت‌های صادقانه و پرهیز از فریب و دورویی، ارتقای توانمندی افراد در همکاری، رقابت، ارتقای دانش سیاسی کاربردی، افزایش مهارت‌های سیاسی، تکوین شخصیت سیاسی و ایجاد انگیزه‌های سیاسی، مؤثر باشد، توانسته است رابطه معناداری در ایجاد و تقویت انگیزه مشارکت سیاسی در افراد مورد مطالعه داشته باشد و در افزایش مشارکت سیاسی آنان رابطه مثبت ایجاد نماید.

آنچه که در این پژوهش به عنوان یکی از نتایج بسیار مهم و قابل تأمل است، رابطه معنادار هوش

سیاسی بر ابعاد و سطوح مختلف مشارکت سیاسی در شهروندان می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که این هوش توانسته است رابطه معناداری با سطوح مشارکت سیاسی شهروندان ایجاد نموده و تأثیرات متفاوتی را با وزن‌های مختلف بر سطوح مشارکت سیاسی شهروندان داشته باشد. این نتایج با نظریه‌های مطرح شده در چارچوب تئوریک تحقیق از جمله (کاتم، ۱۳۹۳: ۱۴)، نظریه (فریس و همکاران، ۲۰۱۱: ۱۲۶) و (اشرف و لکبال، ۱۳۹۳: ۵۷۹۸) همخوانی دارد، زیرا این نظریه‌پردازان نیز در نظریه‌های خود به نوعی بر رابطه هوش سیاسی بر ابعاد و سطوح مختلف مشارکت سیاسی تأکید داشته‌اند. همچنین نتایج حاصل با نظریه مطرح شده از سوی مایکل راش در خصوص مشارکت سیاسی و سطوح مختلف آن نیز همسویی دارد. مایکل راش در خصوص سطوح مختلف مشارکت معتقد است که سلسله مراتب و سطوح مختلف مشارکت سیاسی دارای ترتیبی نزولی بوده که اولین آنها داشتن مقام سیاسی و آخرین آنها شرکت در انتخابات می‌باشد. وی بر این نکته تأکید دارد که هرچه سطح یک فعالیت، مهم‌تر و بالاتر باشد، میزان مشارکت که برحسب تعداد افراد درگیر در یک فعالیت معین سنجیده می‌شود، کمتر است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد هوش سیاسی کمترین میزان رابطه را با بعد "مشارکت در اجتماعات سیاسی" داشته است. به تعبیر دیگر، افرادی که از هوش سیاسی بالاتری برخوردار می‌باشند تمایل کمتری به "شرکت در اجتماعات سیاسی" داشته‌اند. لذا می‌توان گفت، افراد با هوش سیاسی بالاتر نسبت به بقیه افراد، کمتر تمایل به مشارکت سیاسی بصورت خیابانی و میدانی همچون "شرکت در اجتماعات سیاسی" داشته‌اند.

پیشنهادهات

از آنجا که نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داده است که بین هوش سیاسی با مشارکت سیاسی در شهروندان شهر کرمان، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد و افزایش هوش سیاسی در افراد مورد مطالعه (شهروندان شهر کرمان) تأثیر مستقیم و مثبتی بر افزایش مشارکت سیاسی آنان دارد، علاوه بر این در خصوص تأثیر هوش سیاسی بر ابعاد مختلف مشارکت سیاسی، نظر به اینکه با توجه به ماتریس همبستگی محاسبه شده، متغیر هوش سیاسی بر کلیه ابعاد مشارکت سیاسی، تأثیر مثبت داشته، لذا محورهای پیشنهادی زیر مطرح می‌گردند.

۱- ارتقای سطح هوشیاری اجتماعی آحاد مردم در حوزه‌های سیاسی از راه‌های مختلف؛ از جمله آموزش‌های عمومی و رسمی و رسانه‌های جمعی

۲- افزایش توانمندی و مهارت‌های فردی عموم مردم، به انگیزه تحقق عینی‌تر و بهینه‌ای اهداف زیر:

- الف_ نفوذ فردی و توانایی شبکه‌ای از مسیر آموزش مهارت‌های مذاکراتی و اجتماعی
- ب_ دریافت و انتقال برداشت‌های صادقانه و پرهیز از فریب و دورویی از طریق توسعه تعاملات اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی
- پ_ همکاری یا رقابت سالم در قالب کنش‌گری سیاسی با استفاده از آموزش‌های عمومی، رسمی و رسانه‌های جمعی
- ت_ ایجاد و تکوین شخصیت سیاسی برای خویش در فضای اجتماعی و سیاسی جامعه از مسیر شناخت دقیق عناصر پویایی و قدرت سیاسی
- ث_ نشان دادن علاقه و ابراز احساسات به رفاه و آسایش دیگران (مهرورزی) در راستای جهت‌دهی به کنش‌گری سیاسی آنان
- ج_ افزایش بصیرت سیاسی آنان از مسیر فرایند تربیت سیاسی
- چ_ مدیریت مطلوب و اثر بخش استرس به هنگام رویارویی و مواجهه با رخدادها و تحولات سیاسی
- ۳- ارتقای دانش کاربردی ضمنی مردم در حوزه مسائل سیاسی (بصیرت سیاسی) و افزایش توانمندی آنان در جهت شناخت و تحلیل حوادث و هنگام رویارویی با رخدادها و تحولات سیاسی

منابع

- امام جمعه‌زاده، جواد (۱۳۹۵). «بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان»، فصل‌نامه علوم سیاسی، ۱۱(۴).
- باقری دولت‌آبادی، علی و کمالی‌زاده، محمد (۱۴۰۰). «مبانی نظری و شاخص‌های «جامعه اسلامی» در اندیشه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۱).
- پوردانش، سید سامر (۱۳۹۷). مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی، تهران: انتشارات آفتاب گیتی.
- چهرآزاد، سعید (۱۴۰۰). «تبارشناسی «تراگذرنده گِی» تحریم‌های ضد ایرانی» در جامعه‌شناسی سیاسی پس از انقلاب اسلامی»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۲).
- دوستار، محمد و ممینی، یعقوب (۱۳۹۳). «مؤلفه‌ها و کارکردهای هوش سیاسی»، فصلنامه دانش سیاسی، ۱۹(۱): ۶۵-۸۶.
- زارعی، علی (۱۳۹۹). «چرخش نخبگان سیاسی پس از انقلاب اسلامی در ایران»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۱(۳).
- صولتی سورندی، حسین (۱۳۹۷). «بررسی رابطه‌ی هوش اجتماعی و مشارکت سیاسی در دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب»، نشریه مطالعات سیاسی، ۹(۳۶).
- عالمیان، اصغر؛ راعی، مسعود و مسعود، غلامحسین (۱۴۰۱). «آسیب‌شناسی مبارزه با تبعیض طبقاتی بعد از انقلاب اسلامی ایران»، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۳(۳).
- قاسمی نسب، روح‌الله (۱۳۹۲). «هوش سیاسی»، اولین کنفرانس ملی مدیریت.
- کاتم، مارتا (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روانشناسی سیاسی، ترجمه سید کمال خرازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کریمی، علی (۱۳۹۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی رفتار رأی‌دهندگی، تهران: نگاه معاصر.
- الکس، اینکلس (۱۳۹۸). جامعه‌شناسی چیست؟، ترجمه مشفق همدانی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
- کشاوری، لقمان؛ فراهانی، ابوالفضل و شهرسبز، مجتبی (۱۳۹۵). «تحلیل رگرسیونی هوش سیاسی و رفتار سیاسی مدیران اداره کل ورزش و جوانان و هیئت‌های ورزشی استان فارس»، مطالعات مدیریت رفتار سازمانی در ورزش، ۳(۱).

کیوساکی، رابرت (۱۳۹۷). هوش اقتصادی، ترجمه سید محمد حسینی بهشتیان، تهران: نشر پارسا. گلشاهی، محمد مهدی (۱۳۹۹). «تحلیل مؤلفه‌های هوش سیاسی بر منازعات سیاسی»، فصلنامه دانش سیاسی، ۱۶(۲).

متقی، پیمان. (۱۳۹۰). هوش سیاسی، تهران: انتشارات سمت. مسعودنیا، حسین (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی - روان‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان»، جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۳(۵).

معصومی، ابراهیم؛ اسلامی، سعید و پولادی، کمال (۱۴۰۰). «بررسی مقایسه‌ای جامعه‌شناسی اسلام سیاسی شیعی مبتنی بر امامت و رویکردهای انقلاب اسلامی و اسلام سیاسی نوسلفیه مبتنی بر خلافت با تاکید بر داعش»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۱).

ملک زاده، انوشیروان (۱۳۹۴). «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت سیاسی، در بین دانشجویان»، کنفرانس ملی آینده پژوهشی علوم انسانی.

میلبرث، لستر (۱۳۹۵). مشارکت سیاسی، ترجمه سید رحیم ابوالحسنی، تهران: نشر میزان. هاشمی، سید ضیاء؛ فولادیان، مجید و زینب فاطمی، امین (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۵(۱).

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۱). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگون، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۵). درک توسعه سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Allen, R. & Higgins, Q. (2017). Interactive Study of the Relationship between Intelligence Types including Intellectual Intelligence, Social Intelligence, Cultural Intelligence, Strategic Intelligence with Political Socialization, and the Willingness to Participate with Political Parties among Students in Spain. Political Psychology Quarterly, Royal University of Barcelona, 87(14): 69-78.

Ashraf, F. & Zahid Iqbal, M. (2011). A Research Agenda on the Leaders Political Intelligence for Effective Change Management. African Journal of Business Management, (14): 5798-5806.

Ferris, GR. & Treadway, DC. & Kolodinsky, RW. & Hoch Warter, WA. & Kacmar, CJ. & Douglas, C. & Frink, DD. (2011). Development and Validation of the Political Skill Inventory. Journal of Management, 31(1): 126-152.

- Gregory, M. (2016). The Role of Cultural Intelligence in Increasing Political Maturity and Tendency to Political Participation in Bulgaria. *Journal of Fetal Studies and Political Action*, Bulgarian National Royal University, 74(11): 21-30.
- Imay, D. & Golfand, S. (2016). The Impact of Cultural Intelligence on Different Dimensions of Participation (Social Participation, Cultural Participation, Political Participation, and Civic Participation). *International Politics Quarterly*, George Washington University, 44(2): 31-48.
- Ligli, J. (2014) Prioritizing Social and Cultural Components Affecting Political Participation in Romania. *Eastern European Political Studies Quarterly*, 32(4): 25-38.
- Mc Killie G. (2008). Components of Political Intelligence and Political Development. *Quarterly Journal of Political Studies*, 36(4): 17-26.
- McClark, F. (2015). Roots of Political Participation among Florida's Colored Students. *Jacksonville University Political Science Quarterly*, 45(9): 36-48.